



اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر مبنای هوش چندگانه بر بهبود عملکرد (هوش) کودکان پیش‌دبستانی شهر تهران

کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

سحر تیماج چی  *

استادیار علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

معصومه سادات ابطی 

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر اثربخشی آموزش مهارت زندگی بر مبنای هوش چندگانه بر بهبود عملکرد (هوش) کودکان پیش‌دبستانی تهران می‌باشد. این پژوهش بر حسب هدف تحقیقی کاربردی است و روش تحقیق نیمه‌آزمایشی با گروه پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل نوآموزان پیش‌دبستانی (۵ الی ۶ ساله) منطقه دو شهر تهران و روش نمونه‌گیری در دسترس است که حجم نمونه، ۲۴ نفر تعیین شد. پرسشنامه هوش گاردنر برگرفته از ابعاد هوش کودک (شامل منطقی - ریاضی، فضایی، زبانی - کلامی، بدنی - جنبشی، میان‌فردی، درون فردی، موسیقایی، طبیعت‌گرا) که شامل ۸۰ سؤال می‌باشد و این پرسش‌نامه‌ها توسط محقق و به کمک مربیان کودکان تکمیل شده است. داده‌های حاصل با تحلیل واریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های زندگی بر مبنای هوش چندگانه بر بهبود عملکرد (هوش) کودکان پیش از دبستان اثر معناداری دارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش مهارت زندگی، هوش چندگانه، بهبود عملکرد، پیش‌دبستانی.

مقدمه

آموزش‌های دوران کودکی نقشی بسیار مهم در یادگیری فرد دارد چراکه در این دوران نگرش و بنیان‌های ارزشی برای حفظ و پشتیبانی از مهارت‌های زندگی شکل می‌گیرند (پراملینگ ساموئلسون و کاگا^۱، ۲۰۰۸) که مادام‌العمر و تغییرناپذیر هستند (نیکولیوا^۲، ۲۰۰۸)؛ بنابراین هدف همه‌ی فعالیت‌هایی که جهت آموزش انجام می‌گیرد، توسعه مهارت افراد است. همچنین از سال ۱۹۷۱، یونسکو توسعه آموزش پیش‌دبستان را به‌عنوان راهبردی کلیدی برای دگرگونی آموزشی توصیه می‌کند که مبنی بر این واقعیت بود که کودکان تمام فرهنگ‌ها، به مهارت‌های پایه برای دستیابی به موفقیت در یادگیری در دنیایی با تکنولوژیکی در حال پیشرفت امروز، نیاز دارند و بهترین زمان برای دستیابی به چنین مهارت‌هایی دوره اولیه کودکی می‌باشد (هانلی، فهمی و هل^۳، ۲۰۱۴).

مهارت‌های زندگی^۴، کودکان و نوجوانان را قادر می‌سازد که دانش و نگرش و ارزش‌های خود را به عمل تبدیل نمایند. با این وصف، بهترین مکان و موقعیت برای آموزش‌های مهارت زندگی مسیر تحصیلات در آموزش و پرورش است که کودک را از سنین پیش‌دبستانی تا مقاطع بالای آموزش عالی همراهی می‌کند (لوکزینسکی و فهمی^۵، ۲۰۱۷). سازمان بهداشت جهانی^۶ (۲۰۰۷) مهارت‌های زندگی را توانایی رفتار مثبت و سازگاران‌ای تعریف می‌کند که افراد را قادر می‌سازد تا به‌گونه‌ای مؤثر با چالش‌ها و نیازهای روزمره زندگی برخورد کند. این مهارت‌ها در قالب ساختارهایی چون عزت‌نفس، خودکارآمدی، تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله، درک خود و مهارت‌های اجتماعی تجلی می‌یابند و به‌طور ضمنی و آشکار از طریق نهادهای اجتماعی مثل خانواده، مدرسه، معلمان و رسانه‌ها به کودکان و نوجوانان آموزش داده می‌شوند. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش و پرورش، تربیت فردی است که بتواند به‌صورت مستقل از عهده‌ی نیازها و

-
1. Pramling Samuelsson & Kaga
 2. Nikolaeva
 3. Hanley, Fahmie & Heal
 4. Life Skills
 5. Luczynski & Fahmie
 6. WHO (World Health Organization)

چالش‌های خود برآید و بتواند زندگی تحصیلی، شخصی و شغلی خود را اداره کند (هستی، جانسون و رودسیل^۱، ۲۰۱۸)، یکی از برنامه‌های مرتبط با این هدف، برنامه مهارت‌های زندگی سازمان بهداشت جهانی می‌باشد که شامل مهارت خودآگاهی^۲، مهارت همدلی^۳، مهارت ارتباط مؤثر^۴، مهارت حل مسئله^۵، برقراری روابط بین فردی مؤثر^۶، مهارت مدیریت هیجان^۷، مهارت تصمیم‌گیری^۸، مهارت مدیریت استرس^۹ و تفکر خلاق^{۱۰} است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۷).

در همین راستا، یکی از موضوعاتی که مستقیماً به امر آموزش و یادگیری مرتبط می‌شود، بحث هوش^{۱۱} و به دنبال آن هوش‌های چندگانه می‌باشد. این مطلب قابل‌انکار نیست که هر یادگیرنده دارای ویژگی‌ها و توانایی‌های منحصر به فرد خود می‌باشد. از این رو برای تحقق هدف آموزش و پرورش می‌توان از این نظریه در آموزش یادگیرندگان با توجه به برنامه مهارت‌های زندگی استفاده کرد (مفیدی، ۱۳۹۱).

بنابراین، آموزش از طریق هوش چندگانه نه تنها به معلمان کمک می‌نماید تا در انتخاب روش تدریس و ارزیابی خود، آزادی عمل داشته باشند، بلکه برای دانش‌آموزان نیز در زمینه‌های مختلف از جمله سبک‌های یادگیری، انگیزش و کشف نقاط قوت و ضعف خود کمک می‌نمایند (هوئر^{۱۲}، ۲۰۱۲) و موجب افزایش علاقه‌مندی دانش‌آموزان به یادگیری می‌شود. (آرمسترانگ^{۱۳}، ۱۳۹۳). توجه به رویکرد هوش‌های چندگانه گاردنر منجر به این خواهد شد که طیف وسیعی از یادگیرندگان در یادگیری کلاسی به موفقیت

-
1. Hastie, Johnson & Rudisill
 2. Self-Awareness
 3. Empathy
 4. Effective Communication
 5. Problem Solving
 6. Interpersonal Relationship
 7. Coping With Emotion
 8. Decision Making
 9. Coping With Stress
 10. Creative Thinking
 11. Intelligence
 12. Hoerr
 13. Armstrong

نائل شوند (سرین، سرین، یاووز، محمدزاده^۱، ۲۰۱۳). از این رو توجه به نظریه هوش چندگانه گاردنر نیز از عوامل اثرگذار بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی می‌باشد (هوئر^۲، ۲۰۱۲).

با توجه به اهمیت هوش‌های چندگانه و ضرورت آموزش مبتنی بر هوش‌های چندگانه سبب شده است که پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گیرد که در این میان بزرگمهری، جمهری، حافظی، عسگری و پاشا (۱۳۹۷) اثربخشی آموزش هوش‌افزایی مبتنی بر نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر بر هوش هیجانی و خلاقیت دانش‌آموزان دختر پایه پنجم و ششم شهر اصفهان را بررسی کرد و آموزش خود را مؤثر دانست. همچنین رنجیری، ملک‌پور و فرامرزی (۱۳۹۲) نیز این آموزش را بر میزان خطاهای املای دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری پایه سوم ابتدایی آزمودند و به اثربخشی آن اذعان نمودند. همچنین عبدی (۱۳۸۹) نشان داد دانش‌آموزانی که از طریق راهبرد تدریس مبتنی بر هوش چندگانه آموزش دیده‌اند پیشرفت تحصیلی بالاتری در کلیه سطوح شناختی (دانش، فهمیدن، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی) داشته‌اند و نگرش آن‌ها نسبت به یادگیری درس علوم بعد از عمل آزمایش به طور چشم‌گیری بالا رفته است. نتایج پژوهش حسینی بیدخت (۱۳۷۸) نیز نشان داد که اعمال روش هوش‌های چندگانه باعث افزایش و مسئولیت‌پذیری شخصی، نسبت به همسالان، بزرگ‌ترها و محیط می‌شود. حاجی حسین‌نژاد و بالغی‌زاده (۱۳۸۳) نشان دادند که میانگین عملکرد دانش‌آموزان در درس ریاضی در چهار حوزه دانستن، به‌کارگیری، طرح مسائل و طراحی در تدریس بر اساس نظریه گاردنر بهتر از شیوه سنتی است. در همین راستا، جانسون (۲۰۰۷) طی پژوهشی نشان داد که برنامه درسی مبتنی بر هوش چندگانه موفقیت دانش‌آموزان از جمله عملکرد آن‌ها در آزمون‌های استاندارد را افزایش داده است. آموزش مبتنی بر هوش چندگانه موفقیت دانش‌آموزان در علوم را نیز بهبود و افزایش داده است. بل فلاور (۲۰۰۸) نیز به نتایجی مشابه رسید.

1. Serin, Serin, Yavuz & Muhammedzade

2. Hoerr

بنابراین با توجه به اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی بر مبنای هوش‌های چندگانه، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا آموزش مهارت‌های زندگی بر مبنای هوش چندگانه بر بهبود عملکرد (هوش) کودکان پیش‌دبستانی شهر تهران مؤثر است؟

روش

تحقیق حاضر از نظر روش پژوهش نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را نوآموزان پیش‌دبستانی (۵ الی ۶ ساله) منطقه ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۷ تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس به شرح زیر استفاده گردید. ابتدا از منطقه ۲ تهران، ۱ مدرسه که دارای ۲۴ نوآموز پیش‌دبستانی (۵ الی ۶ ساله) انتخاب، آنگاه به دو دسته مساوی تقسیم و به شکل تصادفی یک گروه به‌عنوان گروه آزمایش (۱۲ نفر) و گروه دیگر به‌عنوان گروه کنترل (۱۲ نفر) مشخص گردید. در مرحله پیش‌آزمون هر دو گروه از نظر هوش‌های چندگانه سنجش شده، آنگاه گروه آزمایش آموزش مهارت زندگی بر مبنای هوش چندگانه را دریافت کرد و گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی در این راستا دریافت نکرد. در مرحله پس‌آزمون مجدداً سنجش هوش در هر دو گروه اجرا شد.

در همین راستا از پرسش‌نامه هوش گاردنر برگرفته از ابعاد هوش کودک استفاده شد. این مقیاس توسط عبدی (۱۳۸۹) برای سنجش و برآورد هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر جهت کودکان ۱۰-۶ ساله‌ی شهر اصفهان ساخته و هنجاریابی شده است. این مقیاس دارای هشت مقوله از هوش بوده که توسط والدین و یا مربیان تکمیل می‌گردد. روایی این مقیاس به روش تحلیل عاملی انجام شده و از روایی مناسبی برخوردار می‌باشد. ضرایب پایایی مقوله‌های هوشی به روش آلفای کرونباخ از ۰/۶۷ تا ۰/۸۹ گزارش شده است. فرم پاسخ‌نامه به‌صورت مقیاس پنج‌درجه‌ای خیلی کم (رفتار یا فعالیتی که از طرف کودک خیلی کم انجام می‌شود، یک امتیاز) تا خیلی زیاد (فعالیت یا رفتاری که به‌طور مکرر از جانب کودک تکرار می‌شود، پنج امتیاز) است. در هر هوش ۱۰ سؤال از فعالیت‌های

مرتبط با آن هوش مطرح شده و مجموع نمرات هر هوش ۵۰ امتیاز می‌باشد که بعد از برآورد کردن امتیازات هر هوش بر مبنای بیشترین نمره‌ی برآورده شده در هوش‌های چندگانه، ویژگی خاص آن هوش برای فرد تبیین می‌شود. لازم به ذکر است که از ملاک‌های ورود این پژوهش می‌توان به رضایت والدین از آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندان، سلامت جسمی کودک و نیز سلامت روانی وی (با توجه به پرونده غربال‌گری کودک در مهدکودک) اشاره کرد.

اما جهت آموزش مهارت‌های زندگی سعی شده است طی صحبت با مربیان به تفاوت‌های فردی هر کس توجه شود تا با آزادی عمل به هر کودک در زمینه‌ای که هوش او شکوفا می‌شود، عمل گردد. مهارت‌های مدنظر در ۱۰ جلسه‌ی ۴۵ دقیقه‌ای به شرح ذیل آموزش داده شد:

جدول ۱: شرح جلسات آموزش مهارت‌های زندگی

جلسه	نوع مهارت	شرح جلسه
۱	مهارت مدیریت هیجان	* توضیح احساس‌ها با شکلک‌ها و تصاویر / * بیان حس خود توسط هر کس در آن زمان / * صحبت درباره چیزهایی که آن‌ها را خوشحال و یا ناراحت می‌کند. / * مثال از یک موقعیت (به کودک می‌گوییم به چند وقت پیش که ناراحت شدید فکر کنید؛ آن حس خود را با استفاده از نقاشی، کاردستی، بیان، انتخاب یک موسیقی از میان موسیقی‌های موجود برای بقیه بچه‌ها شرح دهید). / * ارائه‌ی کار محوله به صورت داوطلبانه / * پرسش سؤال‌هایی از قبیل وقتی ناراحت شدی به چه چیز فکر می‌کردی؟ بعد چه کردی؟ آیا می‌توانستی جور دیگری رفتار کنی؟ و بحث درباره آن‌ها
۲	مهارت تفکر خلاق	* ارائه یک موضوع به بچه‌ها (به کودکان می‌گوییم شما می‌توانید جانوری باشید که دوست دارید. چه جانوری را انتخاب می‌کنید؟ چه کارهایی به جای آن جانور در طول روز انجام می‌دهید؟ / * برای به نمایش گذاشتن این جانور و کارهایش هر کودک با توجه به تفاوت‌های فردی و استعدادی که در زمینه‌ی هوشی خاص خود دارد دست به عمل می‌زند.
۳	مهارت حل مسئله	* ارائه یک سؤال به طور واضح / * مشخص کردن تمامی راه‌حل‌های ممکن / * بررسی و ارزیابی راه‌حل‌ها / * استفاده از شعر برای ایجاد موقعیت (در اینجا از شعری به نام جوهر توت سیاه از ایو مری‌ام استفاده شده است.
۴		
۵		

جلسه	نوع مهارت	شرح جلسه
۶		«بلا یک چتر نو داره / نمی‌خواد اونو گم کنه / وقتی که بیرون میره در بارون / هیچ وقت ازش استفاده نمی‌کنه / بینش گرفته / کفشاش گلی شدن / جوراباش خیسه / عینکش بخار گرفته / اما چترش نو و تمیز مونده». / * شبیه‌سازی موقعیت با استفاده از وسایل، تخیل، نمایش / * پرسش و پاسخ درباره این که بعد چه اتفاقی می‌افتد و بلا باید چه کار کند؟
۷	مهارت همدلی	* کار با کودکان جهت شناسایی احساس‌های خودشان / * استفاده از شکل‌های کتاب‌ها و پوسترها در این راستا / * بازی پانتومیم احساسات (با یک عروسک حالت‌های مختلفی که مثلاً کسی که خشمگین است، بازگو می‌شود). / * داوطلب شدن دو یا سه نفر و بازگویی حالت‌های دیگر عروسک / * یاددهی چگونگی همدلی / * کودک می‌تواند کنار عروسک بنشیند، به صحبت‌های او گوش دهد، به او پیشنهاد دهد با هم بازی کند و ... / * ارائه موقعیت و پرسش (معلم سر عروسک فریاد کشیده است، چگونه می‌توانید با او همدلی کنید؟) و بارش مغزی و بحث و گفتگو در مورد آن.
۸		
۹	مهارت روابط بین فردی	* تهیه تعدادی کارت که با جملاتی درباره مهارت بین فردی مثبت و منفی / * برداشتن یک کارت توسط دانش‌آموزان و توضیح راجع به آن (برای مثال «سارا می‌خواهد با یاسمن دوست شود و خودش خجالت می‌کشد به او بگوید و از دنیا می‌خواهد به او بگوید»؛ و یا در مثالی دیگر «مریم از دست خواهر بزرگترش عصبانی می‌شود اما به جای عصبانیت از او سعی می‌کند با اون صحبت کند»). / * سؤال از بچه‌ها سؤال در مورد چگونگی دعوت کسی که با او در زنگ تفریح بازی می‌کند به خانه / * طرح سؤال یک دوست چه ویژگی‌های باید داشته باشد؟ (آن را هر جور که فکر می‌کنی و با هر وسیله‌ای یا هر روشی که دوست داری توصیف کن.
۱۰		

در پایان به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده طی مراحل پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی و نیز نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها

نمونه‌ی پژوهشی شامل ۱۲ دختر و ۱۲ پسر می‌باشد که میانگین سنی کل حدود ۵ سال می‌باشد.

قبل از انجام آزمون فرضیه‌ها جهت بررسی نرمال بودن توزیع پراکندگی نمرات متغیرهای وابسته، از چولگی و کشیدگی استفاده شد. در حالت کلی چنانچه چولگی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) باشند، داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. با توجه به جدول (۲) مشخص است که نمرات پیش آزمون متغیر هوش کودکان (شامل منطقی - ریاضی، فضایی، زبانی - کلامی، بدنی - جنبشی، میان فردی، درون فردی، موسیقایی، طبیعت گرا) در دو گروه کنترل و آزمایش از توزیع پراکندگی نرمال برخوردار هستند؛ چرا که مقدار چولگی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) باشد.

جدول ۲: چولگی و کشیدگی - پیش آزمون

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
منطقی- ریاضی	آزمایش	۱۲	۵۵/۲	۲۳۵/۰	۳۲۶/۰	۴۵۸/۰-
	کنترل	۱۲	۵۱/۲	۱۵۷/۰	۲۱۸/۰	۴۱۶/۰-
فضایی	آزمایش	۱۲	۲۷/۲	۲۰۰/۰	۰۶۰/۱	۹۷۹/۰
	کنترل	۱۲	۳۷/۲	۱۹۵/۰	۵۰۵/۰	۶۸۰/۰-
زبانی - کلامی	آزمایش	۱۲	۵۱/۲	۲۴۰/۰	۸۴۵/۰-	۵۶۵/۰-
	کنترل	۱۲	۴۵/۲	۱۷۳/۰	۷۰۱/۱-	۵۹۶/۰
بدنی-جنبشی	آزمایش	۱۲	۳۶/۲	۲۷۰/۰	۷۸۶/۰	۶۱۴/۰-
	کنترل	۱۲	۲۶/۲	۲۱۴/۰	۵۸۶/۰	۲۵۴/۰-
میان فردی	آزمایش	۱۲	۵۹/۲	۲۸۷/۰	۰۳۸/۰-	۱۵۴/۰-
	کنترل	۱۲	۵۶/۲	۲۶۰/۰	۱۸۰/۰	۱۴۴/۱-
درون فردی	آزمایش	۱۲	۵۵/۲	۲۹۳/۰	۶۷۴/۰	۸۵۷/۰
	کنترل	۱۲	۴۲/۲	۲۵۹/۰	۵۷۵/۱	۹۳۶/۰
موسیقایی	آزمایش	۱۲	۴۳/۲	۲۱۰/۰	۰۸۹/۱	۸۰۹/۰
	کنترل	۱۲	۳۴/۲	۲۱۵/۰	۱۲۶/۰-	۶۹۴/۰
طبیعت گرا	آزمایش	۱۲	۶۳/۲	۲۲۲/۰	۵۶۲/۰-	۵۹۱/۰-
	کنترل	۱۲	۵۶/۲	۱۸۲/۰	۳۷۸/۰	۷۲۱/۰-

علاوه بر این، برای بررسی این مفروضه همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده مشخص است که واریانس خطا همسان است ($F(۶۷۳)=۰$ پیش آزمون

$$F(433/0) < p < 0/588 = \text{پس آزمون } F(451/0) < p < 0/588$$

با توجه به برقرار بودن مفروضه‌های تحلیل واریانس جدول زیر نتایج این آزمون را نشان می‌دهد:

جدول : تحلیل واریانس - پیش‌آزمون

متغیر	منبع متغیر	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی‌داری
منطقی - ریاضی	بین گروهی	۰/۰۰۷	۱	۰/۰۰۷	۰/۱۶۹	۰/۶۸۵
	درون گروهی	۰/۸۶۷	۲۲	۰/۰۳۹		
	کل	۰/۸۷۳	۲۳	-		
فضایی	بین گروهی	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱/۵۲۶	۰/۲۳۰
	درون گروهی	۰/۸۶۵	۲۲	۰/۰۳۹		
	کل	۰/۹۲۵	۲۳	-		
زبانی - کلامی	بین گروهی	۰/۰۲۷	۱	۰/۰۲۷	۰/۶۰۷	۰/۴۴۴
	درون گروهی	۰/۹۶۷	۲۲	۰/۰۴۴		
	کل	۰/۹۹۳	۲۳	-		
بدنی - جنبشی	بین گروهی	۰/۰۶۰	۱	۰/۰۶۰	۱/۰۰۵	۰/۳۲۷
	درون گروهی	۱/۳۱۳	۲۲	۰/۰۶۰		
	کل	۱/۳۷۳	۲۳	-		
میان فردی	بین گروهی	۰/۰۰۴	۱	۰/۰۰۴	۰/۰۵۰	۰/۸۲۵
	درون گروهی	۱/۶۵۶	۲۲	۰/۰۷۵		
	کل	۱/۶۶۰	۲۳	-		
درون فردی	بین گروهی	۰/۱۰۷	۱	۰/۱۰۷	۱/۳۸۷	۰/۲۵۱
	درون گروهی	۱/۶۹۲	۲۲	۰/۰۷۷		
	کل	۱/۷۹۸	۲۳	-		
موسیقیایی	بین گروهی	۰/۰۵۰	۱	۰/۰۵۰	۱/۱۱۴	۰/۳۰۳
	درون گروهی	۰/۹۹۶	۲۲	۰/۰۴۵		
	کل	۱/۰۴۶	۲۳	-		
طبیعت‌گرا	بین گروهی	۰/۰۲۷	۱	۰/۰۲۷	۰/۶۴۲	۰/۴۳۱
	درون گروهی	۰/۹۱۳	۲۲	۰/۰۴۲		
	کل	۰/۹۴۰	۲۳	-		

بر اساس نتایج جدول، در سطح خطای ۰/۰۵، مقدار سطح معناداری آماره F به دست آمده برای متغیر هوش کودکان (شامل منطقی - ریاضی، فضایی، زبانی - کلامی، بدنی - جنبشی، میان فردی، درون فردی، موسیقیایی، طبیعت گرا) بیشتر از ۰/۰۵ است و بنابراین بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله‌ی پیش‌آزمون تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. قبل از انجام آزمون فرضیه‌ها جهت بررسی نرمال بودن توزیع پراکندگی نمرات متغیرهای وابسته، از چولگی و کشیدگی استفاده شد. در حالت کلی چنانچه چولگی و کشیدگی در بازه (۲، ۲-) باشند، داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. با توجه به جدول (۴) مشخص است که نمرات پس‌آزمون متغیر هوش کودکان (شامل منطقی - ریاضی، فضایی، زبانی - کلامی، بدنی - جنبشی، میان فردی، درون فردی، طبیعت گرا) در دو گروه کنترل و آزمایش از توزیع پراکندگی نرمال برخوردار هستند؛ چرا که مقدار چولگی و کشیدگی در بازه (۲، ۲-) باشد.

جدول ۴: چولگی و کشیدگی - پس‌آزمون

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
منطقی - ریاضی	آزمایش	۱۲	۵۵/۳	۲۷۷/۰	۲۱۴/۰	۵۶۸/۰-
	کنترل	۱۲	۵۴/۲	۱۹۷/۰	۳۱۸/۰	۶۹۵/۰-
فضایی	آزمایش	۱۲	۲۷/۳	۱۵۴/۰	۲۱۱/۰-	۴۳۷/۰-
	کنترل	۱۲	۱۹/۲	۲۲۳/۰	۷۱۱/۰	۹۱۶/۰
زبانی - کلامی	آزمایش	۱۲	۴۳/۳	۲۱۰/۰	۸۸۱/۰-	۶۸۱/۰
	کنترل	۱۲	۴۴/۲	۲۵۷/۰	۱۷۲/۰	۱۹۷/۰-
بدنی - جنبشی	آزمایش	۱۲	۴۵/۳	۲۵۷/۰	۸۲۳/۰	۲۲۷/۰-
	کنترل	۱۲	۳۶/۲	۱۵۵/۰	۰۲۶/۰-	۵۷۷/۰-
میان فردی	آزمایش	۱۲	۵۹/۳	۲۳۵/۰	۱۸۲/۰-	۱۸۱/۰-
	کنترل	۱۲	۵۰/۲	۲۹۹/۰	۲۲۰/۰	۱۹۵/۰-
درون فردی	آزمایش	۱۲	۵۵/۳	۳۰۶/۰	۳۲۰/۰-	۱۲۴/۰-
	کنترل	۱۲	۴۸/۲	۲۸۲/۰	۲۶۱/۰	۱۹۰/۰-
موسیقیایی	آزمایش	۱۲	۵۵/۳	۲۶۰/۰	۱۸۱/۰	۸۵۴/۰-
	کنترل	۱۲	۳۰/۲	۲۰۸/۰	۰۰۵/۱	۱۲۴/۰
طبیعت گرا	آزمایش	۱۲	۴۱/۳	۲۱۲/۰	۳۵۴/۰	۶۲۵/۰-
	کنترل	۱۲	۵۵/۲	۱۹۷/۰	۷۰۱/۰	۰۳۸/۰

جدول ۵: تحلیل واریانس - پس آزمون

متغیر	منبع متغیر	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
منطقی - ریاضی	بین گروهی	۶/۲۰۲	۱	۶/۲۰۲	۱۰۶/۷۳۰	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱/۲۷۸	۲۲	۰/۰۵۸		
	کل	۷/۴۸۰	۲۳	-		
فضایی	بین گروهی	۷/۰۴۲	۱	۷/۰۴۲	۱۹۰/۸۶۲	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۰/۸۱۲	۲۲	۰/۰۳۷		
	کل	۷/۸۵۳	۲۳	-		
زبانی - کلامی	بین گروهی	۵/۹۰۰	۱	۵/۹۰۰	۱۰۶/۷۶۶	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱/۲۱۶	۲۲	۰/۰۵۵		
	کل	۷/۱۱۶	۲۳	-		
بدنی - جنبشی	بین گروهی	۷/۰۴۲	۱	۷/۰۴۲	۱۵۵/۴۳۵	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۰/۹۹۷	۲۲	۰/۰۴۵		
	کل	۸/۰۳۸	۲۳	-		
میان فردی	بین گروهی	۷/۰۴۲	۱	۷/۰۴۲	۹۶/۹۲۴	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱/۵۹۸	۲۲	۰/۰۷۳		
	کل	۸/۶۴۰	۲۳	-		
درون فردی	بین گروهی	۶/۸۲۷	۱	۶/۸۲۷	۷۸/۷۶۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱/۹۰۷	۲۲	۰/۰۸۷		
	کل	۸/۷۳۳	۲۳	-		
موسیقیایی	بین گروهی	۹/۵۰۰	۱	۹/۵۰۰	۱۷۰/۰۴۱	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱/۲۲۹	۲۲	۰/۰۵۶		
	کل	۱۰/۷۳۰	۲۳	-		
طبیعت گرا	بین گروهی	۴/۴۲۰	۱	۴/۴۲۰	۱۰۵/۰۴۰	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۰/۹۲۶	۲۲	۰/۰۴۲		
	کل	۵/۳۴۶	۲۳	-		

بر اساس نتایج جدول، در سطح خطای ۰/۰۵، مقدار سطح معناداری آماره F به دست آمده برای متغیر هوش کودکان (شامل منطقی - ریاضی، فضایی، زبانی - کلامی، بدنی -

جنبشی، میان فردی، درون فردی، موسیقیایی، طبیعت‌گرا) کمتر از ۰/۰۵ است و بنابراین بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله‌ی پس‌آزمون تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون می‌توان بیان کرد، میانگین متغیر هوش کودکان (شامل منطقی - ریاضی، فضایی، زبانی - کلامی، بدنی - جنبشی، میان فردی، درون فردی، موسیقیایی، طبیعت‌گرا) در گروه آزمایش بعد از قرار گرفتن در معرض متغیر مستقل (آموزش مهارت زندگی بر مبنای هوش چندگانه) بیشتر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر مبنای هوش‌های چندگانه بر بهبود عملکرد کودکان پیش‌دبستانی شهر تهران بود. با توجه به‌طور خلاصه می‌توان بیان کرد که میانگین متغیر هوش‌های چندگانه کودکان در گروه آزمایش بعد از قرار گرفتن تحت آموزش مهارت زندگی بر مبنای هوش چندگانه بیشتر شده است. از آنجایی که طبق نظریه هوش‌های چندگانه، هر هوش خط سیر متفاوت و عملیات پردازشی مختلفی دارد کودکان معمولاً در محدوده توانایی هوش خود به حل مسائل و تفکر سطحی می‌پردازند که در محدوده ضعیف هوشی و از نظر تفکر در سطح پایین قرار دارد. با به‌کارگیری نظریه‌ی هوش‌های چندگانه ضمن آگاه شدن و شناسایی محدوده هوشی افراد، با فراهم کردن فعالیت‌های مناسب برای هر محدوده هوشی به کودکان این فرصت داده می‌شود که به پیشرفت و حتی خبرگی در آن محدوده هوشی برسند. لازم به ذکر است که این دوره از رشد ذهنی کودک از اهمیت ویژه‌ای در تمام دوران رشد او برخوردار است زیرا با رشد ذهن کودک در این دوره، خلاقیت افزایش می‌یابد؛ اما برای رسیدن به این هدف باید توجه داشت که کودکان در این دوره از ابداع و ابتکار لذت می‌برند، از انرژی بسیاری برخوردارند، انرژی نهفته در نوآموزان به آن‌ها اجازه می‌دهد شکست را فوراً فراموش کنند و با کسب تجربه و با انرژی بیشتری به فعالیت بپردازند (طالب‌زاده، ۱۳۹۴). در نتیجه با در نظر گرفتن این موارد، استفاده از روش‌ها و مواد آموزشی مختلف موجب پرورش تخیل، خلاقیت و فعالیت‌های ذهنی کودک می‌شود.

از سوی دیگر در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که از نظر گاردنر، هوش‌های چندگانه می‌تواند نقش زیادی در یادگیری و آموزش داشته باشد. آگاهی از نظریه‌ی هوش‌های چندگانه، معلمان را بر می‌انگیزد تا روش‌های متفاوتی برای کمک به همه کلاسشان بیابند. به اعتقاد گاردنر، اساس نظریه هوش‌های چندگانه، محترم شمردن تفاوت‌های افراد، تنوع فراوان روش‌های یادگیری، شیوه‌های ارزیابی در این روش‌ها و اثرات مختلف به‌جامانده از این تفاوت‌هاست (آرمسترانگ، ۲۰۰۹). در نتیجه متناسب‌سازی آموزش و تدریس برای هر فرد از نظر نوع هوش برتر می‌تواند محتوا و مواد آموزشی را به شکلی به کودک ارائه دهد که توانایی پردازش بالاتری را به کار گیرد و در نهایت راحت‌تر آن را بیاموزد و به کار گیرد.

به‌عبارت‌دیگر، در راهبردهای مبتنی بر هوش‌های چندگانه، برخلاف گذشته و روش‌های سنتی، به تفاوت‌های فردی توجه می‌شود و برای انواع هوش فعالیت‌های یادگیری برنامه‌ریزی می‌شود، کودکان فرصت بیشتری پیدا می‌کنند که به روش‌های مختلف موضوع را یاد بگیرند. علاوه بر این، معلم سلسله مباحث را بر اساس هوش‌ها طراحی نمی‌کند بلکه از تمامی جنبه‌های هوش آن‌ها برای یادگیری استفاده می‌شود. روش تدریس بر اساس این تحقیق متوجه توانایی‌ها و استعداد‌های کودک است که وی موضوع را کشف و حل نماید. در نتیجه هر کودک به محرک‌های محیطی پاسخ می‌دهد که مبتنی بر شیوه‌ی یادگیری اوست. در برنامه‌ریزی برای کودکان، توجه به شیوه‌های یادگیری آنان اهمیت دارد. کودکان خردسال با روش‌های مختلف و مخصوص به خود راجع به موضوعات گوناگون اطلاعات کسب می‌کنند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۱). همچنین باید افزود که در کلاس‌های مبتنی بر هوش‌های چندگانه، کودکان فرصت بیشتری دارند که با هم بحث و گفتگو کنند و نظرات خود را به شیوه‌های مختلف در میان بگذارند و درعین حال از کودکان دیگر هم یاد بگیرند. به‌این ترتیب برای آموزش یک واحد کار از روش‌های متعددی برای کودکان استفاده می‌شود. کودکان فرصت‌های یادگیری پیدا می‌کنند و به‌وسیله توانایی‌هایش یاد می‌گیرد و در نهایت مهارتش را با دیگران مبادله می‌کند. هر

گروه از افراد متناسب با نوع هوش خود، از رسانه‌های یاددهی و یادگیری خاصی برخوردارند که تنوع بهره‌گیری از رسانه‌های مختلف می‌تواند فعالیت‌های آموزشی را با ویژگی‌های هوش شاگردان بیشتری منطبق سازد (امیر تیموری، ۱۳۹۳).

درواقع با شناسایی ویژگی‌ها و توانمندی‌های کودکان و ایجاد شرایط مناسب، پدیده مهمی به نام تغییر رخ می‌دهد و چه بسا حلقه مفقوده‌ی تحول نظام آموزش و پرورش ما باشد. می‌توان هر یک از کودکان را به‌سان یک منشور یکتا و هوش‌های چندگانه را شبیه به یک طیف رنگی در نظر گرفت. برخی هوش عمومی را برای افراد چون پرتو خورشید، با شدت و ضعف متفاوت می‌بینند، اما از نظر گاردنر برمی‌آید که هر کس چون یک منشور منحصر به فرد می‌تواند از پرتو هوش عمومی، طیفی یکتا از هوش‌های گوناگون را به منصفه ظهور بگذارد، گاهی اوقات هوش‌های افراد قابل مشاهده و آشکار هستند و گاهی نیز قابل دید نیستند و منتظر فعال یا کشف شدن خود هستند. در اینجا است که روش‌های متفاوت و متنوع و درعین حال منسجم از برنامه‌های آموزشی باید ارائه گردد تا همه‌ی کودکان بتوانند تمامی جنبه‌های هوش خود را متجلی نمایند؛ چرا که هر کس تمام هوش‌ها را داراست (حاجی حسین نژاد و بالغی‌زاده، ۱۳۸۳).

با توجه به یافته‌های به دست آمده نتیجه می‌گیریم که در کلاس‌ها باید طرح درس‌هایی مناسب با تفاوت‌های فردی و هوش‌های هشت‌گانه طراحی شود تا بتوانیم از حالت سنتی آموزش که تفاوت‌های فردی را در نظر نمی‌گیرد و تمام کودکان را به یک چشم می‌بیند، رهایی یابیم. در این صورت کودکان بیشتر یاد می‌گیرند و احتمال آن که آموخته‌های خود را در آینده به کار گیرند، بیشتر است.

در پایان باید گفت که هر پژوهشی با توجه به امکانات و موقعیتی که در آن به اجرا درمی‌آید دارای محدودیت‌هایی است که در این میان می‌توان به همکاری ضعیف برخی از مسئولین و مدیران مدارس در توزیع و یا تکمیل پرسشنامه‌ها به طوری که برخی از پرسشنامه‌ها ناقص تکمیل شده بود و یا تکمیل نشده به محقق بگردانده شد. همچنین به سبب این که نمونه‌ی پژوهش محدود به یک منطقه‌ی خاص در شهر تهران می‌باشد لذا تعمیم به

سایر نوآموزان باید با احتیاط صورت پذیرد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که از نمونه‌ی بزرگ‌تری از نوآموزان با سطح اجتماعی - اقتصادی متفاوت در پژوهش‌های آتی استفاده گردد.

منابع

- آرمسترانگ، تامس. (۱۳۹۳). *هوش‌های چندگانه در کلاس درس*. ترجمه: مهشید صفوی. تهران: انتشارات مدرسه. چاپ سوم، ص ۶۰-۵۳.
- اسدی، علی و عبادی، ماهرخ. (۱۳۹۵)، نقد و بررسی نظام آموزشی مقطع ابتدایی ایران از نظر ایدئولوژی‌های برنامه درسی، *اولین همایش ملی تازه‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران*، اردکان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان
- امیر تیموری، محمد حسن. (۱۳۹۳). *رسانه‌های یاددهی - یادگیری*. تهران. ساوالان، ص ۳۵-۳۲.
- حاجی حسین نژاد: غلام رضا. بالغی زاده، سوسن. (۱۳۸۳). مقایسه اثر روش تدریس مبتنی بر نظریه گاردنر و روش‌های سنتی بر عملکرد ریاضی دانش آموزان. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت*. بهار و تابستان، ص ۲۵-۲۰.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۲). *روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)*. تهران: آگاه، ص ۲۲-۱۵.
- طالب‌زاده، محسن. (۱۳۹۴). *اصول برنامه‌ریزی آموزش و پرورش پیش از دبستان*. تهران: جهاد دانشگاهی، ص ۴۸-۴۲.
- عبدی، علی. (۱۳۸۹). *مقایسه اثربخشی راهبردهای تدریس مبتنی بر هوش‌های چندگانه و روش تدریس متداول بر پیشرفت تحصیلی و نگرش به یادگیری درس علوم دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی*. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی.
- کندی، محبوبه و کندی، معصومه. (۱۳۹۴)، رسالت و جایگاه معلم در نظام آموزش و پرورش، *سومین همایش ملی مدرسه فردا، چالوس، دانشکده فنی و حرفه‌ای سما واحد چالوس*
- مفیدی، فرخنده. *عسگری نیکچه، عزیزه (۱۳۹۱)*. کتاب کار کودک و مربی. تهران: مدرسه، ص ۶۵-۶۰.

- Adcock, P. K. (2014). *The longevity of multiple intelligence theory in education*. Delta Kappa Gamma Bulletin, 80(4), 50.
- Armstrong, T. (2009). *Multiple intelligences in the elementary classroom*. Alexandria, VA: Association for supervision and curriculum development.
- Fahmie, T. A., & Luczynski, K. C. (2018). *Preschool life skills: Recent advancements and future directions*. Journal of applied behavior analysis, 51(1), 183-188.
- Gardner. H. (2004). *Audiences for the theory of multiple intelligences*. Teachers college record, 106, 212-220.
- Ghamrawi, N. (2014). *Multiple intelligences and ESL teaching and learning: An investigation in KG II classrooms in one private school in Beirut, Lebanon*. Journal of Advanced Academics, 25(1), 25-46.
- Hanley, G. P., Fahmie, T. A., & Heal, N. A. (2014). *Evaluation of the preschool life skills program in Head Start classrooms: A systematic replication*. Journal of Applied Behavior Analysis, 47(2), 443-448.
- Hastie, P. A., Johnson, J. L., & Rudisill, M. E. (2018). *An analysis of the attraction and holding power of motor skill stations used in a mastery motivational physical education climate for preschool children*. Physical Education and Sport Pedagogy, 23(1), 37-53.
- Hoer, T.R. (2012). *Becoming a multiple intelligences school*. Alexandria, AV:ASCD.
- Luczynski, K. C., & Fahmie, T. A. (2017). *Preschool Life Skills: Toward Teaching Prosocial Skills and Preventing Aggression in Young Children*. The Wiley Handbook of Violence and Aggression, 1-12.
- Serin, Nerguz Bulut. Serin. Oguz., Yavuz, M.Ali, muhammadzade, Behbud. (2013). *The relationship between the primary teachers teaching strategies and their strengths in multiple intelligences*. Procedia social and behavioral sciences. Page 708- 713.

